

## سوره دهم - یونس

این سوره در مکه نازل شده و ۱۰۹ آیه دارد

به نام خداوند بخشنده مهربان

الف. لام. را. (اینها حروف مقطع قرآنند) این است آیات کتاب محکم. (۱) آیا بر مردمی عجیب می‌نماید که ما به مردی از خود آنها وحی کردیم که مردم را (از عذاب دوزخ) نترسان و ایمان آورندگان را بشارت‌ده که بر آنان نزد پروردگارش قدم صدق و مقام والا می‌است؟! کافران گفتند بی‌گمان این (پیامبر) جادوگر آشکار است. (۲)

(ای مردم) همانا پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید پس از آن به کار عرش پرداخت. او کار آفرینش و خلقت را تدبیر می‌کند. هیچ واسطه و شفیع (در پیشگاه او) نیست مگر با اجازه و اذن خود او. این است خدای شما. او را بپرستید. چرا یادآور اوصاف و نعمت‌های او نمی‌شوید؟! بازگشت همه شما به سوی او است. وعده خدا حق است. همانا او آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو کرده‌اند به دادگری پاداش دهد. و بر کسانی که کفر ورزیده‌اند به سبب کفرشان شرابی از آب جوشان و عذابی دردناک باشد. (۳ - ۴)

اوست خدائی که خورشید را روشنائی داد و به ماه نور بخشید و بر آن منازلی قرار داد تا شما حساب و سال‌ها را بدانید. آنها را جز به حق نیافرید. او آیات خویش را بر گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌کند! بی‌گمان در رفت و آمد شب و روز و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده همه آنها آیات و نشانه‌هایی برای پرهیزکاران می‌باشد. (۵ - ۶) کسانی که به دیدار ما امید ندارند و به زندگی دنیا خوشنودند و بدان دل بسته‌اند و نیز آن کسان که از آیات ما غافل ماندند! به سبب آن چه کسب کردند جایگاهشان دوزخ باشد! کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند همانا پروردگارشان به سبب ایمانشان آنها را هدایت می‌کند. از زیر پای آنها در بهشت‌های پر نعمت نهرها جاری است! دعایشان این است که پروردگارا! تو از هر نقص و عیبی منزّه و پاک. و درودشان در آن سلام است و آخرین گفتارشان این که حمد و ستایش بر خداوندی که آفریدگار جهانیان است. (۷ - ۱۰) اگر خدا دعای شر و نفرین مردم را، با همان شتاب که دعای خیر آنها را اجابت می‌کند، اجابت می‌کرد بی‌شک اجل همه آنها می‌رسید. ما کسانی را که به روز آخرت ایمان ندارند و به دیدار ما امیدوار نیستند ترکی می‌کنیم که کفر و سرکشی‌شان سرگردان بمانند! و هنگامی که رنج و ضرری بر انسان روی می‌آورد در هر حالتی که باشند به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده ما را به دعا می‌خواند اما وقتی ضرر را از او برطرف ساختیم چنان به غفلت و کفر روی آورد که که گوئی هیچ ما را برای دفع ضرر و رنج خود نخوانده است. این چنین اعمال و کارهای اسراف‌کنندگان بر آنها زیبا و آراسته شده است. (۱۱ - ۱۲) به یقین پیش از شما هم مردم قرون و اعصار را، چون ستم کردند، به هلاکت رساندیم در حالی که پیامبران‌شان با معجزات و دلایل بر آنها آمدند باز حاضر به ایمان نشدند! ما هم اینگونه گناهکاران را به کیفر می‌رسانیم. آنگاه شما را بعد از آنها در زمین جانشینانشان ساختیم تا بنگریم چگونه عمل می‌کنید! (۱۳ - ۱۴)

و چون آیات ما بر آنها خوانده شود، با وجود روشنی آنها کسانی که منکر دیدار ما هستند گویند قرآنی غیر از این بیار یا آن را عوض و بدل کن! بگو بر من نرسد که آن را از پیش خود بدل کنم. من جز آنچه برایم وحی می‌شود پیروی ننمایم. من از عذاب روز

بزرگ می‌ترسم که پروردگارم را نافرمانی کنم! بگو اگر خدا نمی‌خواست آن‌را بر شما تلاوت نمی‌کردم و شما را بدان آگاه نمی‌ساختم. همانا من پیش از این عمری در میان شما سپری کرده‌ام آیا نمی‌اندیشید؟<sup>۱</sup> (۱۵ - ۱۶)

کیست ستمکارتر از آن کس که به دروغ بر خدا افترا بزند یا آیات او را تکذیب نماید؟! به راستی که گناهکاران رستگاری نیابند. به جز خدا چیزهائی را می‌پرستند که نه سودی به آنان می‌رسانند و نه زیانی. و می‌گویند اینها شفیعان ما نزد خدایند. بگو آیا (می‌توانید) خدا را در آسمان‌ها و زمین به چیزی خیر دهید که او آن را نداند؟ او منزّه و برتر است از آن چیزی که برای او شریک قرار می‌دهید. (۱۷ - ۱۸)

مردم در فطرت امت واحدی بودند پس اختلاف کردند (و گروه گروه شدند) و اگر از پیش کلمه پروردگار نبود میانشان در آنچه اختلاف می‌کنند حکم داده می‌شد!<sup>۲</sup> و می‌گویند چرا (برای محمد) از جانب پروردگارش معجزه‌ای نازل نمی‌شود؟ بگو امور غیب خاص خدا است پس منتظر باشید من هم با شما از منتظرانم. (۱۹ - ۲۰)

و چون به مردم بعد از رنج و زحمتی که به آنها رسیده است رحمتی عطا کنیم ناگهان در آیات ما نیرنگ نمایند! بگو خدا در مکر و تردید سریع‌تر است. بی‌گمان مأموران و فرستادگان ما آن چه را که مکر می‌کنید می‌نویسند! او خدائی است که شما را در دشت و دریا سیر می‌دهد تا وقتی که در کشتی هستید و باد ملایمی آن را حرکت می‌دهد شادمان و خوشحالید. ناگهان باد تندى بوزد و از هر جا موج‌ها بر آن کشتی بیاید (و کشتی نشینان) بدانند که بدان امواج احاطه شده‌اند با اخلاص خدا را بخوانند (و گویند خدایا) اگر ما را از این بلا برهانی از شکرگزاران خواهیم بود! پس چون آنها را نجات دهد باز در زمین به ناحق ستم می‌کنند! ای مردم! بدانید که ظلم و ستم شما به زیان خود شما است. این متاع فریبنده حیات دنیا است. بعد از آن بازگشتتان به سوی ما است. پس شما را بدان چه می‌کردید آگاه گردانیم! (۲۱ - ۲۳)

حکایت دنیا مانند آب بارانی است که از آسمان می‌بارانیم تا گیاه و رستنی‌های زمین، از آن چه آدمیان و حیوانات تغذیه می‌کنند، با آن در آمیخته بروید و زمین پیرایه خود را از سیزی و خرمی به خود بگیرد و آراسته گردد. صاحبان زمین پندارند که آنها بر آن توانائی دارند. به ناگاه شب یا روز فرمان ما برسد و آن را به صورت کشتزار درو شده درآورد. آنچنان که گوئی دیروز در آن هیچ نبوده است. ما اینچنین آیات را بر صاحبان اندیشه و تفکر تفصیل می‌دهیم. (۲۴)

و خدا همه را به سوی سرای آخرت فرا می‌خواند و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید. بر کسانی که نیکی کنند نکوئی و فزونی باشد و بر سیمایشان نه گرد پریشانی بنشیند و نه ذلت و خواری، آنان یاران بهشتند و در آن جاودانه بمانند. ولی کسانی که کارهای بد کنند کیفر بدی‌هایشان همانند آن است که کرده‌اند و خواری و ذلت آنها را بپوشاند. آنها را از خدا پناه دهنده‌ای نیست. گوئی چهره‌هایشان با قطعه‌ای از شب تاریک و ظلمانی پوشیده شده است. آنها اهل و یاران دوزخند و در آن جاویدان بمانند! (۲۵ - ۲۷)

۱. می‌گوید پیش از این من چهل سال در میان شما گذرانیده‌ام و هیچ وقت نه چیزی خوانده‌ام، نه کتابی آورده‌ام و نه ادعای رسالت نموده‌ام. حالا وحی و دستور الهی است که بر شما ابلاغ می‌نمایم.

۲. منظور این است که خدا قبلاً فرموده داوری در مورد عملکردهای انسان‌ها کیفر و پاداش نهائی آنها در روز رستاخیز خواهد بود و عبارت "اگر از پیش کلمه پروردگارت نبود" اشاره بدان می‌باشد.

در عبادت برای خدا شریک می‌گرفتند در جای خود بایستید. آنگاه میان آنها جدائی می‌افکنیم و شرکایشان (به آنها) گویند شما ما را نمی‌پرستیدید و خدا برای گواهی بین ما و شما کافی است و می‌داند که ما از عبادت شما بی‌خبر بودیم! در آن روز هر کس جزای اعمال نیک و بدی را که قبلاً فرستاده بیازماید و همگی به سوی خدا، مولای حقیقی‌شان بازگردانده می‌شوند و خدایان دروغین، که آنها افترا می‌بستند، همه نابود گردند! (۲۸ - ۳۰)

(ای پیامبر) بگو کیست از آسمان و زمین شما را روزی می‌دهد؟ یا کیست که به شما شنوائی و بینائی عطا می‌کند؟ و کیست که از مرده زنده و از زنده مرده برمی‌انگیزد؟ و کیست که کار آفرینش را نظام می‌بخشد؟ بی‌شک خواهند گفت خدا. بگو پس چرا تقوی پیش نمی‌گیرید و از خدا نمی‌ترسید؟! به راستی او است پروردگار به حق شما. و بعد از حق، جز گمراهی چیست؟ پس (از او) به کجا برگردانیده می‌شوید؟! (۳۱ - ۳۲)

بدین سان کلمه حق پروردگارت در مورد عصیانگران واجب گشت زیرا آنها ایمان نمی‌آورند! بگو از شریکانی که برای خدا گرفته‌اید کسی هست که اول بار آفرینش را بگستراند و سپس آن را بازگرداند! بگو خداست که خلقت را آغاز می‌کند و باز آن را برمی‌گرداند پس به دروغ کجا رانده می‌شوید؟ بگو از شریکانتان (که بر خدا می‌گیرید) کسی هست که مردم را به حق راهنمایی کند؟ بگو خداست که مردم را به سوی حق راهنمایی می‌کند. آیا آن کس که مردم را به سوی حق راهنمایی کند برای پیروی اولی شایسته است یا آن کس که رهبری نتواند تا خودش رهبری کرده شود؟ پس بر شما چه شده است و چگونه حکم می‌کنید؟! بیشتر آنها جز ظن و گمان را پیروی ننمایند. به راستی زن و گمان آدمی را به چیزی از حق بینباز نماید. بی‌گمان خدا بدانچه می‌کنید دانا است. (۳۳ - ۳۶)

این قرآن بافته دروغین کسی نیست بلکه کلام خدا است ولیکن تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین است. و کتاب و احکام الهی را به تفصیل بیان می‌کند و در این‌که از جانب پروردگار جهانیان است شک و تردیدی در آن نمی‌باشد! آیا می‌گوئید (محمد) آن را به افترا و دروغ گفته است؟ بگو اگر راست می‌گوئید (شما هم) سوره‌ای مانند آن بیاورید و به غیر از خدا هر که را توانید به پاری بخوانید! (نه!) چنین نیست بلکه آنها آن چه را که به علم آن احاطه ندارند و هنوز تأویل آن به آنان نرسیده‌است تکذیب کردند. همانند کسانی که پیش از آنها آن را کذیب کردند. پس بنگر که پایان کار ستمگران چگونه شد؟! برخی از آنها بدان ایمان آوردند و بعضی دیگر ایمان نیاوردند و پروردگار تو بر مفسدان آگاهتر است. (۳۷ - ۴۰)

(ای پیامبر) اگر تو را تکذیب کردند بگو عمل من بر خود من است و عمل شما برای خود شما. شما از آن چه من می‌کنم بیزارید و من از آنچه شما می‌کنید بیزارم! بعضی از آنها به تو گوش فرادارند (ولی) آیا تو می‌توانی کران را قادر به شنیدن کنی اگرچه عقل و ادراک نداشته باشند؟! بعضی از آنها بر تو می‌نگرند آیا تو می‌توانی نابینایان را راه بنمائی اگرچه فاقد بینائی باشند؟! خدا هرگز به مردم ستم نمی‌کند ولیکن این خود مردمند که به خویشتن ستم می‌نمایند! (۴۱ - ۴۴)

و روزی که آنان در محشر برانگیخته شوند گوئی جز ساعتی از روز در (قبر) درک نکرده‌اند. آنها همدیگر را بشناسند. حقا، کسانی که لقاء پروردگارشان تکذیب می‌کردند در آن روز زیانکار شوند و هرگز از هدایت‌یافتگان نگردند! و اگر بعضی از آن چه را که به تو وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم<sup>۱</sup> پس بازگشت آنها به سوی ما است سپس

۱. این آیه بر طریق تهدید است می‌فرماید ای محمد اگر بعضی از آن چه را از عذاب عاجل که به کافران وعده داده‌ایم به تو بنمایانیم یا تو را بمیرانیم مرجع و مأب ایشان با ما است و بازگشت همه به سوی ما خواهد بود.

بدان چه می‌کردید خدا گواهی خواهد داد. (۴۵ - ۴۶)

برای هر امتی پیامبری است پس وقتی پیامبرشان آمد در میان آنها به عدل و داد حکم می‌شود و بر آنان ستم نگردد. (۴۷)

و می‌گویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر راست می‌گوئید؟! بگو من برای خویشتن به سود و زینتی قادر نیستم مگر آن چه خدا بخواهد. بر هر امتی اجل معینی است و چون اجل آنها فراهم رسد نه ساعتی تأخیر کنند و نه ساعتی سبقت جویند! بگو اگر عذاب الهی شبانگاهان بر شما برسد یا روز (چه مفری دارید). پس گناهکاران عذاب را به شتاب طلب کنند! آیا پس از آن که عذاب بر شما آمد در آن زمان ایمان می‌آورید؟ در حالی که شما قبلاً آن را به تعجیل طلب می‌کردید. سپس به کسانی که ستم کردند گفته شود عذاب ابدی را بچشید. آیا انتظار دارید به جز آن چه کسب کردید کیفر یابید؟! (۴۸ - ۵۲)

از تو خیر می‌گیرند که آیا آن حق است؟ بگو آری به پروردگرم، حق است و شما عاجز کنندگان نیستید. (۵۳)

و اگر هر آن چه در روی زمین است ملک کسی باشد که ستم کرده است و بخواهد با دادن آن خود را از عذاب بازبرهاند (به کار نیاید). آنها چون عذاب را ببینند پشیمانی خود را کتمان نمایند (با این همه) بین آنها به عدل و داد حکم شود و هیچ طلبی بر آنان روا نگردد! بدان! که هر چه در آسمان‌ها و زمین است ملک خدا است و آگاه باش! که وعده الهی حق است ولی بیشتر آنها بدان توجه ندارند و نمی‌دانند. او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانده شوید. (۵۴ - ۵۶)

ای مردم! به یقین از سوی پروردگارتان پند و موعظتی برای شما آمد (قرآن) که شفائی است بر آن چه در سینه‌ها است و هدایت و رحمت است بر مؤمنان! بگو به فضل و کرم الهی به همین شادمان باشند که آن بهتر از هر چیزی است که می‌اندوزند. بگو آیا دیدید آن چه را که خدا از رزق و روزی بر شما نازل کرد شما بخشی از آن را حرام قرار دادید و بخشی را حلال! بگو آیا خدا بر شما دستور داد یا خودتان به دروغ آن را بر خدا بستید؟! آنان که بر خدا دروغ می‌بندند روز قیامت چه گمانی می‌برند؟ بی‌شک خدا بر بندگان صاحب فضل و احسان است ولی اکثر آنها سپاس نمی‌گذارند. (۵۷ - ۶۰)

و در هیچ کاری نباشی و هیچ آیه‌ای از قرآن نخوانی و هیچ عملی انجام ندهی مگر آن که ما با شما گواه باشیم آنگاه که بدان شروع می‌کنید. و هیچ هموزن ذره‌ای، کوچکتر یا بزرگتر از آن، در زمین یا آسمان نیست که از پروردگارت پنهان بماند و همه آنها در کتاب مبین ثبت شده است.<sup>۱</sup> (۶۱)

بدانید که بر دوستان خدا هیچ ترس و بیمی نیست و آنها هرگز اندوهگین نگردند! کسانی که ایمان آورده و پرهیز کاری کرده‌اند در زندگی دنیا و آخرت بر آنها بشارت باد. کلمات خدا را تغییر و تبدیلی نیست. این همان کامیابی بزرگ می‌باشد. (۶۲ - ۶۴)

گفته‌های آنها (مخالفان) تو را اندوهگین نسازد. عزت کلاً از آن خدا است و او شنوای دانا می‌باشد. (۶۵)

بدان که هر چه از آسمان‌ها و زمین است متعلق به خدا است و آنهایی که جز خدا شریکانی می‌گیرند چه چیز را پیروی می‌کنند؟ جز از ظن و گمان پیروی نکنند و جز دروغ نگویند! او است خدائی که شب را برای آسایش شما قرار داد و روز را (برای تحصیل

۱. اشاره به حرام نمودن سائبه، بحیره، و صبله و ... از طرف اعراب است که در آیه ۱۰۳ سوره مائده ذکر شده.  
۲. "کتاب مبین" را "لوح محفوظ" نوشته‌اند که تمام امور عالم و خلقت در آن ثبت است.

معاش) روشن گردانید. همانا در این کار برای هر گروهی که شنوائی دارند آیاتی می‌باشد. (۶۶ - ۶۷)

گفتند خدا فرزندی برای خویشتن گرفته است. او منزه و بی‌نیاز است. هر چه در آسمان‌ها و زمین است متعلق بدو است. شما را بر این گفتار (که فرزندی گرفته) هیچ حجت و دلیلی نیست. چرا درباره خدا چیزی می‌گوئید که خود نمی‌دانید؟! بگو کسانی که از راه افترا بر خدا دروغ می‌بندند هرگز رستگار نگردند! آنها در زندگی دنیا از متاع آن بهره گیرند و بعد از آن بازگشتشان به‌سوی ما خواهد بود تا به کیفر کفرشان عذاب سختی بر آنان به‌چشانیم! (۶۸ - ۷۰)

(ای پیامبر) بر آنان حکایت نوح را بخوان. زمانی که او به قوم خود گفت ای قوم اگر رسالت و یادآوری من از آیات الهی بر شما گران آمد (بر من مهم نیست) من بر خدا توکل کرده‌ام. شما به اتفاق شرکای (عبادی) خود هر چه می‌خواهید تدبیر کنید تا امری بر شما پوشیده نماند. پس از آن درباره من هر چه خواهید بکنید و مهلتم ندهید. و اگر (از کفر و شرک) رویگردان شدید هیچگونه اجر و پاداشی از شما نخواهیم زیرا اجر من فقط بر خدا است. و بر من امر شده است که از تسلیم‌شدگان باشم! پس او را تکذب کردند. ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و آنها را جانشینان ساختیم و آنانی را که آیات ما را تکذیب نمودند غرق کردیم. بنگر که سرانجام کار بیم داده شدگان چگونه شد؟! (۷۱ - ۷۳)

پس بعد از نوح پیامبرانی بر قومشان فرستادیم که با دلیل و برهان به سوی آنها آمدند. آنها حاضر نشدند بدان چه قبلاً تکذیب کرده‌بودند ایمان آورند! ما این‌گونه قلوب تعدی‌کنندگان را مَهر می‌نهیم. بعد از آن پیامبران، موسی و هارون را با دلایل و معجزات به سوی فرعون و قومش برانگیختیم. آنها هم گردنکشی کردند و قومی گناهکار بودند. و چون معجزات از جانب ما بر آنها آمد گفتند بی‌گمان این‌جادوی آشکار است. موسی گفت چرا حق را، وقتی بر شما آمد می‌گوئید جادوست؟ در حالی‌که جادوگران رستگار نگردند. (۷۴ - ۷۷) گفتند مگر تو به سوی ما آمده‌ای که ما را از آئینی که پدرانمان را در آن یافته‌ایم برگردانی و فرمانروائی زمین از آن شما باشد؟ ما هرگز به شما ایمان نمی‌آوریم! فرعون گفت همه جادوگران ماهر را پیش من بیاورید. و چون جادوگران آمدند موسی گفت آن چه را که می‌خواهید بیفکنید. چون بیفکنند موسی گفت آن چه آورده‌اید جادو است بی‌گمان خدا آن را باطل می‌کند زیرا خدا کار فسادکنندگان را سامان نمی‌دهد و خدا با کلمات و آیات خود حق را استوار می‌دارد اگر چه مجرمان کراهت داشته باشند. (۷۸ - ۸۲)

پس به موسی ایمان نیاوردند جز تیره‌ای از قومش زیرا از فرعون و سران قومش می‌ترسیدند مبدا آنان را عقوبت نماید که فرعون در زمین مستکبر و برتری‌جو بود و از متجاوزین به شمار می‌آمد! موسی گفت ای قوم! اگر به خدا ایمان آورده‌اید پس به او توکل کنید. گفتند بر خدا توکل کردیم پروردگارا! ما را دستخوش فتنه ستمگاران قرار مده. ما را به رحمت خویش از گروه کافران رهائی بخش. (۸۳ - ۸۶)

به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر برای قوم خود خانه‌هایی فراهم کنید و خانه‌های خود را عبادتگاه قرار دهید و نماز بگزارید و به مؤمنان بشارت بدهید. موسی گفت پروردگارا! تو در زندگی این جهان بر فرعون و سران قومش زینت و اموال‌داده‌ای تا مردم را از راه تو گمراه سازند! پروردگارا! اموال آنها را نابود کن و دل‌هایشان را سخت بربند که ایمان نیاورند تا آن عذاب دردناک را ببینند! فرمود درخواست شما دو برادر

پذیرفته شد پس پایداری کنید و مردم جاهل را پیروی ننمائید. (۸۷ - ۸۹)

ما بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم در حالی که فرعون و سپاهیان با ظلم و تعدی آنها را تعقیب کردند. چون هنگام غرق شدن فرا رسید گفت ایمان آوردم که معبودی، جز آن که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، نیست و من هم از تسلیم شدگان به فرمان اویم. (بدو گفته شد) حالا؟! تو که پیش از این عصبان می‌کردی و از نافرمانان بودی! ما امروز تن بی‌جان تو را روی آب آوریم و به ساحل برسانیم تا بر کسانی که پس از تو آیند آیتی باشد و بی‌گمان بسیاری از مردم از آیات ما غافلند! پس بنی اسرائیل را در جایگاه خوبی مکان دادیم و از نعمت‌های پاکیزه روزی آنها کردیم و تا علم بر ایشان نیامد با هم اختلاف نکردند. بی‌گمان پروردگارت روز قیامت در آن چه با هم اختلاف کردند بین آنها داوری می‌نماید. (۹۰ - ۹۳)

و اگر از آن چه که بر تو نازل کردیم به شک اندری از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را خوانده‌اند سؤال کن. به یقین که این حق از جانب پروردگارت بر تو نازل شده و تو هرگز از دو دلان مباش! و نه هرگز از آنانی که آیات الهی را تکذیب کردند که در این صورت از زیانکاران خواهی بود. (۹۴ - ۹۵)

بی‌گمان کسانی که حکم عذاب الهی بر آنان حتم شده ایمان نیاورند. ولو آن که هر معجزه و آیتی بر آنان بیاید. تا آن که عذاب دردناک را دریابند. (۹۶ - ۹۷)

پس قریه‌ای نبود که (موقع نزول بلا) ایمان آورند و ایمانشان بر آنها سود برساند مگر قوم یونس<sup>۲</sup> که چون ایمان آوردند عذاب خواری و زبونی در زندگی دنیا را از آنها برداشتیم و آنها را تا مهلتی برخوردار نمودیم! اگر پروردگارت اراده کند همه آنهائی که در روی زمینند ایمان آورند. پس آیا تو مردم را اکراه می‌کنی که ایمان آورند؟! هیچکس را نرسد که بی‌اذن و رخصت خدا ایمان آورد و پلیدی را بر کسی قرار می‌دهد که عقل خود را به کار نمی‌برند! (۹۸ - ۱۰۰)

به مردم بگو که در آسمان‌ها و زمین چه بسیار آیات و دلایل موجود است. این آیات و بیم دادن‌ها کسانی را که ایمان نمی‌آورند قانع نمی‌کند! پس منتظر چه هستید؟ جز آن که روزگار هلاکت و عذاب را، که پیشینیان دیدند، انتظار می‌کشند! بگو منتظر باشید که من هم با شما در انتظار خواهم بود. پس پیامبران و ایمان آورندگان را نجات می‌دهیم که نجات دادن مؤمنان بر عهده ما است. (۱۰۱ - ۱۰۳)

بگو ای مردم اگر از دین من در شک و تردید هستید (بدانید من) هرگز آنهایی را که شما به جز خدا می‌پرستید نمی‌پرستم. بلکه آن خدائی را می‌پرستم که شما را می‌میراند. و من فرمان یافته‌ام که از مؤمنان باشم! (و بر من امر شده که) روی خود را به سوی دین حنیف بدار و هرگز از مشرکان مباش. و جز خدا کسی را و چیزی را مخوان که نه به تو سودی رساند یا زیانی کند. اگر چنین کنی بی‌گمان از ستمگاران باشی! و اگر خدا بر تو زبانی خواهد هیچکس جز خود او دفع آن نتواند و اگر رحمتی بر تو اراده کند فضل او را منع

۱. بعضی از مفسران علم را در این آیه به جای معلوم گرفته‌اند و مراد از آن را پیامبر خاتم‌ص گفته‌اند.  
 ۲. ساکنان قرا و شهرهائی که بر آنها بلا نازل شده گفته‌های انبیای خود را نپذیرفتند ولی وقتی بلا رسید گفتند ایمان آوردیم و این ایمان بر آنها سودی نکرد. اما قوم یونس وقتی حضرت یونس بر آنها بلا خواست و خود از میان آنها رفت بزرگان قوم، مردم را جمع کرده در بیابان به استغاثه از خدا پرداختند و با تضرع و زاری توبه کرده بر خدای یونس ایمان آوردند و به‌او امر او گردن نهادند و این قبل از نزول بانی بود که یونس برای آنها درخواست کرده بود. خداوند این ندامت و ایمان آنها را مورد رحمت قرار داد و دیگر بلا نازل نشد و ایمانشان بر آنها سود رسانید.

کننده‌ای نباشد. آن را به هر کس از بندگان که خواهد رساند و او آمرزگار مهربان است.  
(۱۰۴ - ۱۰۷)

بگو ای مردم به یقین حق از جانب پروردگارتان بر شما آمد. پس هر کس که هدایت یافت بی‌شک برای خود هدایت یافته است و آن کس که گمراه گشت جز این نیست که گمراهی وی برای خود او می‌باشد و من بر شما نگاهبان نیستم! (۱۰۸)  
ای رسول! بدان چه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و صبر پیشه‌گیر تا خدا حکم کند و او بهترین حکم‌کنندگان است. (۱۰۹)